یادداشت:
محمدصادق علیزاده
دبیر فرهنگ و هنر

تدارك ویژه جام‌جم برای جشنواره فجر

همیشه به نیمه‌های نیمه دوم سال که می‌رسیم حجم متعدد رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی سال، یك دوره پرکار و شلوغ را برای فرهنگی‌کارهای رسانه‌ای رقم می‌زند. جشنواره‌های متعدد فرهنگی فجر محور اصلی این ایام را تشکیل می‌دهد و در این میان، جشنواره فیلم فجر نقطه کانونی این جشنواره‌هاست. یك نقطه کانونی که در کنار رویدادهایی مانند نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و کاروان‌های راهیان نور از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی سالانه محسوب می‌شود. روی همین حساب هم رسانه‌ها برای این موارد تدارك ویژه‌ای می‌بینند.

من و همکارانم در گروه فرهنگی جام‌جم هم از این قاعده مستثنا نیستیم. گروه فرهنگی جام‌جم که یکی از عیال‌وارترین گروه‌های روزنامه محسوب می‌شود و در کنار گروه رسانه که در تحریریه هم در همسایگی ما قرار دارد، یکی از پرصفحات‌ترین گروه‌های روزنامه است هم برای این ایام تدارك ویژه‌ای دیده است. امیدواریم این تدارك بتواند مورد رضایت شما و دیگر مخاطبان قرار گیرد. سعی کرده‌ایم با دست پر خدمت‌تان بیاییم تا حداقل به عنوان یك رسانه مرجع، با خواندن جام‌جم نیازی به مراجعه به سایر رسانه‌ها نداشته باشید.

در این ایام صفحات ۱۰ و ۱۱ به طور خاص برای پوشش رویدادها و مطالب مربوط به جشنواره در نظر گرفته شده‌اند و نیمی از صفحات فرهنگی به طور ویژه به این موضوع خواهد پرداخت. برای تولید محتوای این دوصفحه سه نفر از اعضای گروه در سینمای اهالی رسانه در پردیس سینمایی ملت مستقر شده‌اند تا جیك و پوك جشنواره را همراه با ارزش افزوده‌های جذاب برای شما مخابره کنند. الباقی دوستان هم در تحریریه زحمت سر و شکل دادن به متن‌های ارسال شده را به عهده خواهند داشت. صفحات ۹ و ۱۲ هم در اختیار سایر رویدادهای فرهنگی قرار گرفته و روال عادی خود را خواهند داشت. با این حال بعضی روزها ممکن است به دلیل حجم مطالب، این صفحات هم به کمك ویژه‌نامه بیایند و بخشی از بار کار را به دوش بکشند. امیدواریم بتوانیم هم خودمان لذت یك کار تیمی و گروهی خوب را بچشیم و هم این مزه را به صفحات و کام مخاطبان بکشانیم.

واقعیت را خواسته باشید در این روزها آنقدر درگیر کارهای پوشش و تولید برای جشنواره هستیم که نمی‌توانیم ارزیابی دقیقی از فعالیت‌های خودمان داشته باشیم. روی همین حساب بازخوردهای بیرونی که از شما و دیگر مخاطبان به ما می‌رسد می‌تواند راهنمای خوبی برای تصحیح مسیر باشد. پس ما را از نظرات خود بی‌نصیب نگذارید و پیام‌ها، نقدها و پیشنهادهایتان را به روابط عمومی روزنامه انتقال دهید. اگر حجم بازخوردها مناسب بود شاید فکری هم برای پوشش آنها در همین صفحات بکنیم..

آغاز سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر با «تختی»

دیدن این فیلم‌ها جرم نیست!

اهالی سینما و رسانه از امروز در پردیس سینمایی ملت ۱۰ روز پرکار خود را در جشنواره آغاز می‌کنند

جام‌جم هر روز در ایام جشنواره در قالب یک ویژه‌نامه به استقبال این رویداد فرهنگی می‌رود

چاپ دوم

شنیده‌ها از یک جشنواره با فیلم‌های رنگارنگ و متنوع خبر می‌دهد

زندگی وافتخارات تختی

این تصویر را با الهام از صفحه اول روزنامه اطلاعات در روز مرگ تختی تهیه کرده ایم

کتاب سازی به شیوه‌ای تازه

انتشارات عطران جایزه ادبی را برگزار کرده و فراخوان دوره دومش را اعلام کرده در حالی که شرکت‌کنندگان از شیوه برگزاری دوره اول آن حیرت زده‌اند

گروه فرهنگ و هنر

وسوسه‌کننده است دیگر. جشنواره‌ای در سطح ملی فراخوانی اعلام می‌کند و می‌نویسد آثار برگزیده را منتشر خواهد کرد، همچنین به نفرهای اول تا سی‌ام هم جایزه می‌دهد. اشتباه نخوانده‌اید، نفر اول تا سی‌ام. همه داستان‌نویسان و شاعران می‌توانند بدون محدودیت سنی خاص اثری از خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال و توانایی خود را محك بزنند، با دیگر فعالان شعر و داستان رقابت کنند و شاید هم در شرایط دشوار نشر، داستان و شعری از آنها منتشر شود. شما هم اگر شاعر یا نویسنده بودید به احتمال خیلی زیاد در این جشنواره که یك ناشر هم آن را برگزار می‌کند و انتشار نوشته‌ها در صورت برگزیده شدن، تقریبا راحت و قطعی به نظر می‌رسد، شرکت می‌کردید. اما حالا کدام ناشر چنین کاری کرده و در نهایت مهربانی، جشنواره‌ای برای قلم به دستان راه انداخته است؟

جشنواره نامش فاخته است، جشنواره شعر و داستان فاخته. آن را نشر عطران برگزار می‌کند، نشری که عنوان بین‌المللی را هم کنار نام خود یدك می‌کشد و آنطور که روی سایتش ثبت شده در ایروان و باکو هم دفتر و فروشگاه دارد. کتاب‌های منتشر شده‌اش هم در موضوعاتی کاملا دور از هم هستند؛ فنی و مهندسی، آب و داستان و رمان. نویسنده شناخته‌شده‌ای با این انتشارات در عرصه شعر و داستان کاری انجام نداده و آن‌طور که برمی‌آید ناگهان تصمیم گرفته‌اند، جایزه ادبی هم برگزار کنند. حالا این‌که چه پیشینه‌ای داشته و اصلا به قول معروف این کاره بوده‌اند، یا نه اهمیتی نداشته است.

احتمالا با خودتان بگویید ای بابا. حالا یك ناشر هم دلش به حال جوان‌ترها سوخته و برایشان جشنواره‌ای برگزار کرده تا آثارشان را منتشر کند. شما چرا ناراحتید؟ لطفا بپرسید. چون سوال خوبی است و موجب می‌شود سر بحثمان را زودتر بازکنیم و برسیم به این‌که نویسندگان و شاعران جوان مانده‌اند مات و متحیر که این دیگر چه جشنواره‌ای است.

جشنواره فاخته که به مدیریت همین نشر بین‌المللی عطران برگزار شده، بعد از پایان مهلت اعلام شده در فراخوان برگزیده‌ها را اعلام می‌کند، نفرات یك تا سی‌ام هیچ‌کدام شناخته شده نیستند، آن‌قدر که شرکت‌کنندگان می‌گویند حتی نمی‌دانند این افراد وجود خارجی دارند یا نه! بعدتر هم به نویسندگان و شاعران شرکت‌کننده پیام می‌دهد که نفری ۸۰ هزار تومان برای دریافت کتابی که اثرشان در آن منتشر شده، به حساب انتشارات واریز کنند. نویسندگان و شاعران جوان بسیاری برای داشتن کتابی که تنها یکی دو صفحه از آغاز شعر یا داستانشان را چاپ کرده، چنین مبلغی را پرداخته‌اند و خیلی‌هایشان هم پشیمان شده‌اند که چرا شتابزده و هیجانی رفتار کرده و این مبلغ را به حساب ناشر واریز کرده‌اند. آنها مانده‌اند و فکر کردن به این‌که چرا باید بازیچه کتابسازی یك ناشر می‌شده‌اند و امتیاز کامل داستانشان را هم طبق آنچه در فراخوان آمده، به آنها واگذار می‌کردند.

حالا که انتشارات عطران فراخوان دوم خود را هم برای برگزاری ادامه جایزه ادبی‌اش اعلام کرده و نوشته که تا ۳۰ بهمن پذیرای داستان‌ها و شعرها خواهد بود، مانده‌اند با این سوال که آیا نظارتی بر برگزاری جوایز ادبی نیست و هر کس می‌تواند هر طوری که دلش خواست در این عرصه رفتار کند؟

علیرضا رجبعلی‌زاده کاشانی، شاعری است که در این جشنواره شرکت کرده، صاحب چند کتاب شعر است و در جشنواره‌های مختلف هم به‌عنوان برگزیده رتبه‌هایی کسب کرده است. او درباره این جشنواره می‌گوید: «نام برگزیده‌ها را دیدم، خیلی عجیب است که هیچ‌کدام را نمی‌شناختم. ما هدفمان از حضور در جشنواره‌ها بیشتر آشنایی با آثار دیگران و مواجهه رو در رو با آنهاست. در همین جمع‌هاست که از هم یاد می‌گیریم و کنار هم قرار می‌گیریم، اما در این جشنواره هیچ اتفاقی رخ نداد. راستش پایان ماجرا به نظرم شبیه یك بازی آمد و حس خوبی ندارم.»

او به رشد قارچ گونه جشنواره‌ها هم منتقد است و اعتقاد دارد نمی‌توان به همه آنها اعتماد کرد «این روزها همه جا جشنواره برگزار می‌شود و واقعا نمی‌شود به آنها اعتماد کرد، روزگاری ناشران و کتابسازان قارچ‌گونه رشد می‌کردند، حالا کار رسیده به رشد قارچ‌گونه جشنواره‌های ادبی و ظاهرا این رویدادها را تحت‌الشعاع قرار داده است.»

بیا برات کتاب چاپ کنیم

ماجرا به همین جا هم ختم نمی‌شود. برخی شرکت‌کنندگان در ادامه پیامی دریافت می‌کنند که از آنها می‌خواهد در قبال پرداختن دو میلیون تومان پول برایشان مجموعه شعر و داستان منتشر کنند. این نوع حمایت جشنواره‌ای از شعر و داستان خود اتفاق عجیبی است و بیشتر شبیه سرکیسه کردن نویسنده‌هاست نه کمك به آنها برای انتشار کتاب‌هایی که معلوم نیست اصلا چه سیستم توزیع و پخش و چه تیراژی دارند.

نگاهی به دیگر کتاب‌های منتشرشده عطران هم نشان می‌دهد، ناشر ظاهرا دنبال چیزی بیشتر از این نیست. نام عادل علاف صالحی روی کتاب‌های زیادی به چشم می‌خورد، کتاب‌هایی که اغلب گردآوری و انتخاب هستند. نمونه‌اش کتاب مجموعه داستان‌های همین جشنواره فاخته است که با نام «چهرزاد» منتشر شده و نام همین آقای عادل به عنوان گردآورنده و البته مدیر نشر روی کتاب درج شده است. او کتاب‌های مجموعه مقالات برندینگ و کتاب درباره تصفیه آب و ... را هم در کارنامه خود دارد و همین موضوع را عجیب‌تر هم می‌کند. البته عجیب‌تر از آن هم این نکته است که کتاب چگونه با این سرعت توانسته در وزارت ارشاد مجوز بگیرد و منتشر هم بشود. آن هم در شرایطی که برخی ناشران و نویسندگان از طولانی شدن روند مجوز گرفتن خود همیشه گلایه داشته‌اند. تلاش های ما برای تماس با دبیرخانه این جشنواره بی پاسخ ماند و متاسفانه نتوانستیم درباره اهداف و نگاه برگزارکنندگان این جشنواره و عملکردشان اطلاعات دقیق‌تری به دست بیاوریم تا قضاوت کمی ساده‌تر و عادلانه‌تر باشد.

امروز چی داریم؟

جشن مناسبت ها

گفتن ندارد که هم جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع شده و هم جشنواره فیلم فجر که هر دو پر از خبر و اتفاق و ماجرا هستند. صفحات این هفته را به این دو مورد اختصاص داده ایم و البته یك مسابقه نویسندگی عجیب و شیوه تازه‌ای در کتاب‌سازی که حتما داشتن اطلاعات درباره‌اش برایتان مفید خواهد بود چون اگر به نوشتن علاقه‌مند باشید که احتمالا هستید، وگرنه الان در حال خواندن این سطور نبودید، ممکن است هر آن در معرض شکار مسابقه‌های اینچنینی قرار داشته باشید.

ماجرای گزارش صفحه ۹ از این قرار است که یك ناشر فراخوان مسابقه داستان‌نویسی و حتی شعر منتشر کرده و وعده داده به نفرات اول تا سی‌ام جایزه می‌دهد! همین که قرار بوده ۳۰ نفر از این مسابقه جایزه بگیرند، مشکوك است چه رسد به این‌که این ناشر برنامه‌های دیگری هم برای علاقه‌مندان ساده‌دل ادبیات داشته و خواب‌هایی برای آنها دیده که در همین صفحه درباره‌اش می‌خوانید. این گزارش را بخوانید و با شیوه متفاوتی از کتاب‌سازی آشنا شوید!

در روزهای آغاز جشنواره فیلم فجر، طبیعی است که سراغ فیلم‌های جشنواره برویم و شما را برای همراهی با سی و هفتمین دوره این جشنواره آماده کنیم. در همین لحظات که این سطور نوشته می‌شود، کمی آن سوتر علی رستگار با جدیت چشم به مونیتور دوخته و به سرعت برق و باد مشغول نوشتن است. خبرنگار سینمایی ما با چنان پشتکاری در حال معرفی فیلم‌های جشنواره است که فرصت جواب دادن به تلفن هم ندارد چه رسد به غذا خوردن یا رفتن به بالکن و نفس چاق کردن. هر چه باشد امروز اولین روز ویژه خبرنگاران سینمایی است و علی رستگار هم از آن سینمایی‌های چغر است که تا آخرین لحظه با دقت و وسواس کار می‌کند. حاصل این زحمتش را می‌توانید در قالب معرفی اجمالی تك تك فیلم‌های جشنواره فجر در صفحات ۱۰ و ۱۱ ببینید و بخوانید.

چند وقتی است که جناب محمدرضا کائینی با خواندنی‌های تاریخی مهمان صفحه ۱۲ می‌شود و حالا دیگر دوست و همکار راه دورمان به حساب می‌آید. شاید یادتان باشد که قبلا گفت‌وگوی او با افسانه اسفندیاری، نوه عبدالحسین میرزا فرمانفرماییان را منتشر کردیم و همین طور یکی از گفت‌وگوهای قدیمی‌اش با مرحوم حسن گرامی داماد آیت‌ا... کاشانی را در همین صفحات داشتیم. جناب کائینی این روزها که چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را جشن می‌گیریم، بیشتر از همیشه در کنار ماست و برای صفحه ۱۲ امروز، سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدصادق موسوی‌شیرازی رفته و فراز و فرودهای انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده است. باور بفرمایید حاصل گفت‌وگوی دو پژوهشگر تاریخی درباره انقلاب حتما حاوی نکات قابل توجهی است.